

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

آخرین بحثی که مطرح کردیم بحث هزینه دادرسی در محاکم بود که در قوانین ما در امور حسبی و در امور کیفری، اصل بر مجانیت رسیدگی به آن‌ها بود و هزینه‌هایی که از مردم دریافت می‌شد در حقیقت ناظر به همان مصارف و لوازم کار بود. ولی در امور مدنی ترافعی، بنا به این که خواسته مالی یا غیر مالی باشد و این که درخواست مالی چه میزان خواسته داشته باشد، مبلغ هزینه دادرسی متفاوت می‌شود که توسط دولت از ارباب رجوع اخذ می‌شود.

گفتگوی مفصلی کردیم که هزینه دادرسی که دولت می‌گیرد، تمبر و هزینه کارشناسی از چه بابی است و تأدیه آن بر عهده چه کسی است و آیا قابل دریافت از طرف دیگر دعوا هست یا خیر. این آخرین بحثی بود که قبل از تعطیلات مطرح کردیم.

ذیل این مسأله که تحت عنوان اجرت قاضی مطرح شد، مرحوم محقق در شرایع استطراد دیگری را مطرح فرموده که انشاء الله مورد گفتگو قرار می‌دهیم. (شرایع، ج 4، ص 69) ایشان در ادامه بحث اجور القضاة می‌فرماید: «و اما الشاهد فلا يجوز له اخذ الاجرة لتعين الاقامة عليه مع التمكن». بنابراین، کلام در شاهد است که اگر بخواهد در دادگاه شهادت بدهد آیا می‌تواند مزد بگیرد؟

فرض کنید شاهد از شهر دیگری می‌خواهد به شهر دیگری بیاید و شهادت بدهد اگر مطالبه اجرت کند چه حکمی دارد؟ ذیل این عنوان فرع دیگری مطرح می‌شود که اگر بحث دستمزد نبود و شاهد فقط گفت هزینه‌هایی که بر من تحمیل می‌شود را بدهید! چرا که چه بسا شهادت مستلزم یک سلسله مخارجی باشد از جمله بلیط هواپیما، قطار، پول اسکان و... یا همچنین اگر گفت من شاغل هم هستم و گفت برای شهادت مقداری از دستمزد من از بین می‌رود این آیا قابل برای مطالبه هست یا خیر؟ پس در حقیقت سه فرع وجود دارد:

1. اصل مطالبه اجرت بر شهادت چه حکمی دارد؟
2. این که شاهد هزینه هایی که بر او تحمیل می شود را مطالبه کند چه حکمی دارد؟
3. آیا شاهد برای شهادت در صورت فوت المنفعه از او می تواند پولی بگیرد؟

در مقررات ما و قوانین مختلفی این را مواد را داریم، هم در قوانین ماهوی و هم در قوانین شکلی. از جمله در قوانین ماهوی در قانون مدنی از ماده 1306 تا 1320 که موضوع شهادت است. در قانون مجازات اسلامی از ماده 174 تا 200 و در قوانین شکلی در قانون آیین دادرسی مدنی از ماده 229 تا ماده 247 و قانون آیین دادرسی کیفری از ماده 204 تا 216 که چند ماده آن مرتبط با این بحث است.

پس بخش اول کلام در این است که صرف نظر از هزینه تحمیلی یا تفویض منفعت اصل اجرت گرفتن بر شهادت چه حکمی دارد؟ در شرایع می خوانیم: فاما الشاهد فلايجوز له اخذ الاجره لتعين الاقامه عليه یعنی بر شاهد چون شهادت دادن واجب عینی است اجرت گرفتن جایز نیست.

مرحوم محقق نجفی در ذیل این کلام فرمود: «بل للوجوب عليه» (جواهر ج 40 ص 53) یعنی این که حتما لازم نیست وجوب عینی باشد بلکه اگر واجب کفایی هم باشد اخذ اجرت جایز نیست.

مرحوم علامه حلی (ره) (قواعد ج 3 ص 422) می فرماید: اما الشاهد فلايجل له الاجر علی الاقامه و لا التحمل. در کلام علامه حلی (ره) تشقیقی آمد، چون در بحث شهادت دو مرحله داریم یک مرحله تحمل است و یک مرحله اقامه و ادا است. مسلمانی می گوید من برای نکاح یا خرید و فروش و وصیت شاهد لازم دارم، تحمل شهادت برای او چه حکمی دارد؟ آیا واجب است یا نیست؟ اگر فرض کردیم تحمل شهادت واجب است این بحث پیش می آید که اخذ اجرت مصداق واجب است در این صورت علی المبنی باید بگوییم که بین واجبات تعبدی و توصلی از یک سو و واجبات نظامیه و غیر نظامیه از سوی دیگر تفاوت وجود دارد.

یک مرحله هم مرحله ادا است یعنی شاهد قبلا تحمل شهادتی کرده، حالا می گوید بیا شهادت بده، مرحوم علامه حلی (ره) می فرماید: نه در مرحله ادا و نه در مرحله تحمل اخذ اجرت جایز نیست.

مرحوم شیخ طوسی می فرماید: و حکم الشهاده فی اخذ الجعل علیها عندنا لایجوز بحال. (مبسوط ج 8 ص 85) در شهادت هم اخذ جُعل (دستمزد) مطلقا جایز نیست.

مرحوم شهید در مسالک می فرماید: «ظاهر الاصحاب عدم جواز اخذ الاجره علیها مطلقا» ظاهر اصحاب این است که اخذ اجرت بر شهادت مطلقا جایز نیست "لوجوبها فی الجملة خصوصا مع التعین" یعنی اعم از این که کفایی باشد یا عینی بالاخره متصف به وجوب است البته خصوصا در واجب عینی.

مرحوم شهید ثانی تشقیقی را مطرح کرده و می فرماید: «هذا بالنسبه الی نفس اداء الشهاده یعنی اجرت بر شهادتی که گفتیم برای نفس شهادت دادن است، "اما لو احتاج السعی الی اقامتها الی معونه فی سفره جاز اخذها اگر این طور شد که هزینه داشت می تواند بگیرد چون "لان الواجب الاقامه کما دلت علیه الآیه «فاذا بلغن اجلهن.....واشهدوا ذوی عدل منکم و اقيموا الشهاده لله» لا السعی لها" آن چیزی که باید فقط لله باشد اقامه شهادت است.

"و قد یشکل بان السعی حینئذٍ مقدمه الواجب المطلق فیکون واجبا ایضا كأصله" خود ایشان بعد اشکالی مطرح می کند مبنی بر این که در این هنگام که شهادت، وجوب مطلق داشته باشد، سعی که شاهد برای شهادت انجام می دهد مقدمه واجب است و مقدمه هم مثل اصل واجب، واجب است و لذا نمی توان بر مقدمات آن اجرت اخذ کرد. جواب آن فی الجمله این است که مقدمه واجب مطلق، وجوب مطلق دارد مثل نماز ولی اگر واجبی مقید بود مثل واجبات بدنی مقدمه اش واجب مطلق نیست مثل استطاعت در حج و جهاد.

پس تفصیلی بین مرحله تحمل و ادای شهادت مطرح شده است، مرحوم علامه حلی (ره) اجرت را در هر دو مرحله حرام دانست و شهید ثانی هم به ظاهر اصحاب نسبت داد که در هر دو مرحله اخذ اجرت حرام است و ذیل آن مرحوم محقق نجفی می فرماید: "واما التحمل قد اطلق جماعة ایضا عدم جواز الاجرة علیه معلین ذلک بالوجوب" عده ای از محققان شامل مرحله تحمل هم کرده اند با این دلیل ولی بعد می فرماید: "لکن التعلیل و المعلل لایخلو من الاشکال."

و الحمد لله رب العالمین